



جایگاه اقتصادی ایران در خاورمیانه از منظر آینده سیاست خارجی جمهوری اسلامی با تأکید بر افق ۱۴۰۴*

عرفان زندی** - دکتر امیر ساجدی***



This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

یکی از ملزومات توسعه، اقتصاد است. شاخص‌های توسعه اقتصادی مشخص می‌کنند که کشورها در چه جایگاهی قرار دارند. اما آنچه که نقش تأثیرگذاری در توسعه اقتصادی کشورها دارد جهت‌گیری‌های سیاست خارجی دولت‌ها و اهدافی است که دولت‌ها در سیاست خارجی دنبال می‌کنند. مقاله حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که آینده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چه تأثیری بر وضعیت اقتصادی کشور در ناحیه خاورمیانه با توجه به سند چشم‌انداز دارد؟ در پاسخ می‌توان فرض کرد آینده سیاست خارجی ج.ا.ا. تأثیر مستقیمی بر جایگاه اقتصادی کشور در ناحیه دارد. به همین منظور سه شاخص کلان اقتصادی مانند رشد اقتصادی، نرخ تورم و میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی مورد بررسی قرار گرفت؛ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد وضعیت اقتصادی ایران با توجه به سه شاخص مهم ذکر شده در مقایسه با سایر کشورهای خاورمیانه در طی سال‌های گذشته بهبودی نداشته و در چهار سال باقی‌مانده تا اجرای کامل این سند فاصله زیادی با اهداف پیش‌بینی شده در ناحیه دارد. این پژوهش باهدف شناسایی جایگاه اقتصادی ایران در خاورمیانه بر آن است تا با بهره‌گیری از روش مقایسه‌ای - تحلیلی و از رهگذر مقایسه تطبیقی به برنامه‌های توسعه اقتصادی ایران با توجه به سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ نسبت به دیگر کشورهای خاورمیانه در سه شاخص ذکر شده پردازد.

کلیدواژگان:

سند چشم‌انداز، توسعه اقتصادی، سیاست خارجی، اقتصاد سیاسی

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری روابط بین‌الملل عرفان زندی با راهنمایی دکتر امیر ساجدی است.

** گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

*** نویسنده مسئول، گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. / ایمیل:

amir.sajedi@iauctb.ac.ir

مقدمه

دست‌یابی به توسعه اقتصادی یکی از مسائل مهم دولت‌ها در طی دهه‌های گذشته بوده است. به همین منظور هریک از دولت‌ها با توجه به رویکرد توسعه اقتصادی درصدد پاسخگویی به نیازهای اساسی مردم و کشور خود هستند؛ در این ارتباط، جهت‌گیری‌های سیاست خارجی تأثیر گسترده‌ای در توسعه اقتصادی کشورها دارد و آثار این سیاست‌ها در رونق و شکوفایی اقتصادی کشورها کماکان به‌صورت مشهود نمایان است. جمهوری اسلامی ایران همانند سایر دولت‌ها از این قاعده مستثنی نیست. برای درک صحیح روابط ترسیم‌شده بین سیاست خارجی و توسعه اقتصادی و جایگاه نخست ایران در بین قدرت‌های اقتصادی ناحیه خاورمیانه که به‌عنوان هدف اساسی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ تبیین گشته است، نیازمند تبیین این روابط بر پایه تصمیمات سیاست خارجی هستیم. اما در خصوص ایران، باید به این نکته توجه کرد تصمیمات سیاست خارجی، کاملاً ماهیت ایدئولوژیک دارد، و چنین ماهیتی در روند توسعه ایران کاملاً تأثیرگذار بوده است و این موجب گردیده جایگاه اقتصادی ایران در رقابت با سایر کشورهای خاورمیانه دارای فرازوفرودهایی گردد. ناحیه خاورمیانه به دلیل داشتن اهمیت ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی بسیار فراوان و نیز داشتن دولت‌هایی با ایدئولوژی‌های متفاوت و منابع گوناگون قدرت ملی و دخالت‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای همواره شاهد افت و خیزهای دولت‌های منطقه برای کسب جایگاه برتری و رهبری در این منطقه راهبردی بوده است (Daheshiar&Heydari, 2020A: 2). با توجه به این رقابت‌ها، شاخص‌های اقتصادی ایران در بعد از انقلاب نمایانگر نابسامان بودن وضعیت موجود در بین کشورهای خاورمیانه بوده است و این نتیجه روند سیاست خارجی می‌باشد. با ادامه این روند، آینده سیاست خارجی ایران در تعیین وضعیت و جایگاه اقتصادی کشور در رقابت با سایر کشورهای خاورمیانه بی‌تأثیر نخواهد بود.

با عنایت به موارد مطروحه مؤلفه‌ها و شاخص‌های زیادی در توسعه اقتصادی کشورها وجود دارند. اما آنچه که به نظر نگارندگان می‌رسد، رشد اقتصادی، تورم و سرمایه‌گذاری خارجی در میان سایر شاخص‌های توسعه اقتصادی از درجه اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد و هریک بر دیگری تأثیرگذارند. نگارندگان در این پژوهش به ارزیابی توسعه اقتصادی از منظر آینده سیاست خارجی خواهند پرداخت. همچنین این پژوهش می‌کوشد با بررسی برخی شاخص‌های اساسی و مورد قبول توسعه در کشورهای خاورمیانه (که امکان دسترسی به داده‌های آنها موجود بوده است)، وضعیت و جایگاه ایران را از حیث توسعه‌یافتگی در بین کشورهای منطقه تعیین و تبیین کند. این پژوهش در راستای پاسخ به این سؤال نگاشته گردیده که آینده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چه تأثیری بر وضعیت اقتصادی کشور در ناحیه خاورمیانه با توجه به سند چشم‌انداز دارد؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان چنین فرض کرد آینده سیاست خارجی ج.ا.ا. تأثیر مستقیمی بر جایگاه اقتصادی کشور در ناحیه خاورمیانه دارد به‌همین منظور سه شاخص کلان اقتصادی مانند رشد

اقتصادی، نرخ تورم و میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی مورد بررسی قرار گرفته. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در هر سه شاخص ذکر شده، ایران در مقایسه با رقبای کشورهای همسایه از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست و با ادامه چنین روندی در سیاست خارجی ج.ا.ا، امکان دستیابی به اهداف تعیین شده در سند چشم‌انداز با مشکل مواجه خواهد شد. این پژوهش باهدف دستیابی ج.ا.ا در راستای رسیدن به جایگاه اول اقتصادی در ناحیه خاورمیانه از منظر سند چشم‌انداز و با روش مقایسه‌ای- تحلیلی به قلم تحریر درآمده است که طی آن ضمن بررسی سیاست خارجی ایران و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی، مقایسه جایگاه و وضعیت اقتصادی این کشور در رقابت با سایر کشورهای ناحیه خاورمیانه مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۱- پیشینه

نگارندگان در بررسی مطالعات خارجی به آثار قابل توجهی به صورت اخص در ارتباط با موضوع این پژوهش دست نیافتند. بیشترین آثار خارجی در دودسته متمایز صرفاً به سیاست خارجی ایران و اقتصاد ایران اختصاص داده شده بود که با طرح این پژوهش هم‌خوانی نداشت. اما در خصوص آثار داخلی در یکی از گزارش‌های مهم که رحیم تیموری و فرهاد دژ پسند با عنوان (مطالعه شاخص‌های توسعه باهدف ارزیابی تجربه توسعه ایران بعد از انقلاب اسلامی) در سال ۱۳۹۹ توسط مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه و بودجه کشور منتشر کرده‌اند به این موضوع اشاره گردیده که تأکید بر نقش دولت توسعه‌گرا به عنوان موتور محرک توسعه می‌تواند افق چشم‌انداز را گسترده نماید. در این پژوهش به بررسی آسیب‌شناسی مسائل توسعه پرداخته شده و این نتیجه برداشت شده که پارادایم‌ها، نظریه‌ها و گفتمان‌های مطرح در تجربه توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی حکایت از یک واگرایی گفتمانی بین نخبگان بوده است و این نیز دلیل عدم کارایی آنها در تحقق اهداف توسعه بوده است. نقطه قوت این پژوهش در ارائه آمار و شاخص‌های مهم اقتصادی و ارزیابی جایگاه ایران در میان کشورهای خاورمیانه بوده است اما تنها نقطه ضعف این پژوهش اشاره نکردن به بحث تحریم‌ها و تصمیمات سیاست خارجی در ارزیابی جایگاه اقتصادی ایران می‌باشد.

فاطمه سلیمانی پورلک در مقاله‌ای تحت عنوان (نسبت سنجی کارکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطابق اهداف توسعه‌گرایانه سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و الزامات ناظر بر آن) در سال ۱۳۹۸ به اهمیت نقش کارکردگرایی ایدئولوژی محور در سیاست خارجی و پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی اشاره می‌کند. نگارنده در این مقاله ضمن برشمردن اهداف سیاست خارجی ایران در سند چشم‌انداز بر این باور است در ترسیم این سند وجه کارکردگرایی سیاست خارجی مباحث توسعه اقتصادی و نیز وجه ایدئولوژی آن دارای اهداف آرمان‌خواهانه در حوزه سیاسی و امنیتی لحاظ گردیده است. نگارنده معتقد است بخش اعظم کارکرد سیاست خارجی کشور از میزان

^۱. Divergence

انطباق‌پذیری با باهدف توسعه‌گرایانه سند چشم‌انداز، مطلوب ارزیابی نمی‌گردد به همین منظور الزامات کارکردی اقتصادی و سیاسی را مطرح می‌نماید و تحقق اهداف آرمانی در سند چشم‌انداز را بدون نیل به اهداف کارکردی را امکان‌پذیر نمی‌داند و این مستلزم سیاست مبتنی بر کارکردگرایی-ایدئولوژیک است. نقطه قوت این مقاله ضمن آسیب‌شناسی سیاست خارجی ایران در ارتباط با توسعه اقتصادی، الزامات کارکردی اقتصادی و سیاسی ایران را در جهت رسیدن به اهداف توسعه در سند چشم‌انداز به صورت کامل برشمرده است.

مصطفی مطهری خوشیانی و جهانیش ایزدی در مقاله‌ای با عنوان (بررسی رابطه میان توسعه و ایدئولوژی در ایران (مطالعه موردی پهلوی دوم و جمهوری اسلامی) در سال ۱۳۹۷ با استفاده از روش تاریخی و تحلیلی به جریان‌شناسی مباحث ایدئولوژیک در دوران پهلوی دوم و جمهوری اسلامی پرداخته‌اند. نگارندگان در واقع با یک مقایسه روند توسعه در دوران پهلوی دوم را کاملاً غربی و تحت تأثیر روابط با غرب می‌دانند و ادامه روند توسعه در جمهوری اسلامی را تحت تأثیر مکتب اسلام و در راستای کامل غرب‌زدایی می‌دانند. نگارندگان در هر دو دوره به این نتیجه رسیدند که ایدئولوژی غربی موجب وابسته شدن ایران به کشورهای بیگانه در دوره پهلوی شده و در جمهوری اسلامی مباحث ایدئولوژی اسلامی موجب کندی توسعه گردیده است. نقطه ضعف این مقاله عدم بررسی داده‌های آماری و شاخص‌های توسعه اقتصادی است. معمولاً در بررسی مقایسه‌ای پژوهش‌های مربوط به توسعه، برای اینکه نتیجه بهتر حاصل گردد، استفاده از داده‌های آماری و کمی می‌باشد که در این مقاله به این داده‌ها توجه نگردیده است.

در پژوهشی دیگر که وحید شقاقی شهری در سال ۱۳۹۷ با عنوان (ارزیابی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور از منظر تحقق اهداف اقتصادی سند چشم‌انداز) انجام داده، برنامه‌های توسعه ایران را از زاویه میزان تحقق اهداف سند چشم‌انداز با توجه به عملکرد برنامه‌های پنج‌ساله توسعه در بعد از انقلاب بررسی کرده و با تحلیل داده‌های موجود اجرای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه را تا حدودی موفقیت‌آمیز دانسته و رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز را نیاز به یک آسیب‌شناسی در حوزه اقتصاد منوط کرده است. همچنین در برنامه‌های توسعه آنچه که بیشترین قرابت را با اهداف سند چشم‌انداز داشته اولویت‌بندی شده به ترتیب برنامه‌های سوم، اول، دوم، پنجم و ششم توسعه می‌باشند. علیرغم اشاره نگارنده در ابتدای مقاله به بررسی آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه، آسیب‌شناسی در این پژوهش شکل نگرفته بود. قطعاً ارائه راهکار ضمن بررسی مسائل توسعه‌ای بر غنای مقاله فوق خواهد افزود. برتری پژوهش حاضر نسبت به پژوهش پیشین ارائه و بررسی آسیب‌شناسی در خصوص روند توسعه در ایران می‌باشد.

پژوهش دیگری که در باب این موضوع صورت گرفته مقاله‌ای با عنوان (ایران و راهبردهای دستیابی به رهبری منطقه‌ای) در سال ۱۳۹۵ است که توسط حسین ربیعی به قلم تحریر در آمده است. نگارنده در این پژوهش به نقش قدرت‌پذیری ج.ا.ا. در منطقه خاورمیانه اشاره دارد. ایشان بر این

باور است در راستای دستیابی به اهداف سند ۱۴۰۴ و وجود رقابت بین کشورهای منطقه، تثبیت جایگاه قدرت ایران در میان کشورهای منطقه بدون چالش نخواهد بود. به همین منظور نگارنده بر اساس سه راهبرد امپراتوری، سلطه و رهبری معتقد است و ج.ا.ا. می‌تواند قدرت خود را در منطقه تثبیت کند؛ و در نهایت این راهبرد رهبری است که می‌تواند موجب قدرتمند شدن ایران در منطقه گردد. نگارنده ضمن برشمردن توانمندی‌های ایران برای قدرت رهبری به توسعه اقتصادی اشاره نکرده است که این یکی از ضعف‌های این پژوهش می‌باشد. امروزه به نظر می‌رسد دیگر رهبری صرفاً در قدرت نظامی خلاصه نمی‌گردد بلکه جایگاه اقتصادی کشورها با توجه به سطح بالای توسعه اقتصادی قدرت رهبری آنان را تعیین خواهد کرد.

فرزاد پلتن در مقاله‌ای تحت عنوان (پیامدهای تحریم‌های بین‌المللی بر اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله توسعه کشور در زمینه تعامل مؤثر و سازنده کشور در روابط بین‌الملل) در سال ۱۳۹۲ به این موضوع اشاره می‌کند که تحریم‌های بین‌المللی بیشتر حوزه‌های اقتصادی را نشانه گرفته و این از مهم‌ترین موانع و مشکلات فراروی اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور می‌باشد. وی اظهار می‌دارد که برنامه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند کمک مؤثری در کاستن از اثرات تحریم‌ها باشد. نقطه قوت این پژوهش اشاره کاملی است که تحریم‌ها بر جنبه‌های مختلف اقتصادی و روابط سیاسی ج.ا.ا. داشته است.

۲- مبانی نظری و چارچوب مفهومی

۱-۲- سیاست خارجی توسعه‌گرا

در سند چشم‌انداز بیست‌ساله، جمهوری اسلامی ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح ناحیه آسیای جنوب غربی. متغیرهای کلیدی که در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ به چشم می‌خورد بحث توسعه‌یافتگی و سیاست‌گذاری خارجی برای رسیدن به آن است. براین مبنا می‌توان گفت طراحی و اجرای سیاست خارجی متناسب باهدف قانونی سند چشم‌انداز، نقشی بسیار اساسی در دستیابی به آن بازی می‌کند. سیاست خارجی متناسب با این هدف را می‌توان سیاست خارجی توسعه‌گرا نام نهاد. این نوع از سیاست خارجی نقش مهمی در فعال کردن ظرفیت‌های داخلی و بیرونی به نفع توسعه اقتصادی کشور دارد. سیاست خارجی توسعه‌گرا، جهت‌گیری عمل‌گرایانه و منطقی دارد و به دنبال کنش‌های تعاملی، رقابتی و کم‌هزینه، در محیط منطقه‌ای و بین‌الملل است (Aboutalebi, 2008: 103-106). سیاست خارجی توسعه‌گرا همان‌گونه که از نام آن برمی‌آید رسالت اصلی خود را زمینه‌سازی برای تحقق توسعه پایدار تعریف می‌کند. در سیاست خارجی توسعه‌گرا اصل بر همکاری و هماهنگی در عرصه روابط بین‌الملل است. البته این به‌منظور وادادگی و پذیرش وضع موجود در عرصه بین‌المللی نیست بلکه با ایجاد اجماع به‌گونه‌ای

¹. Developmental- Oriented Foreign Policy (DOFP)

هدفمند با کشورهای همسایه در راستای منافع و اهداف کشور گام برمی‌دارد (MosaviShafaei, 1999: 160-259).

سیاست خارجی توسعه‌گرا یک سیاست خارجی تجدیدنظرطلب است، از این نظر که برای همکاری بین کشورهای در حال توسعه تلاش می‌کند تا با در اختیار گرفتن موضوعات توسعه، برنامه جهانی را تغییر شکل دهد (Landsberg, 2005: 725-726). آدریان لفت‌ویچ^۱ و چالمرز جانسون^۲ به اهمیت نقش دولت در فرایند توسعه معتقد هستند.

از این رو در ادبیات توسعه مفهوم دولت توسعه‌گرا به وجود آمده است. توسعه‌گرایی و دولت‌های توسعه‌گرا از جمله واژه‌ها و مفاهیم جدید ادبیات توسعه به شمار می‌آیند که عمدتاً از اواسط دهه ۱۹۸۰ و پس از آن مورد توجه نظری و عملی قرار گرفته‌اند؛ تحول تاریخی نقش دولت در روند توسعه، یکی از مباحث عمده در حوزه گفتمان توسعه، نقش دولت در ایجاد تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است (Amiri, 2017: 163).

دولت‌های بریتانیا، آلمان و ژاپن را می‌توان از جمله دولت‌های توسعه‌گرا تا قبل از قرن بیستم دانست (Baghchi, 2000: 413). سیاست خارجی توسعه‌گرا، هم محصول و هم ابزار دولت توسعه‌گرا است. مفهوم دولت توسعه‌گرا را اولین بار چالمرز جانسون، برای مدل بنیانی نوع خاصی از دولت ارائه کرد (Lahotian, 2015: 66). لفت‌ویچ دولت توسعه‌گرا را گونه‌ای از دولت می‌داند که قادر به تولید حرکت پایدار در مسیر توسعه است و این امر مهم از نوع روابط سیاسی و اقتصادیشان با نظام جهانی و به‌خصوص بازیگران اصلی آن منبعت می‌شود. لفت‌ویچ ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا را وجود نخبگان توسعه‌گرا، استقلال نسبی دولت از جامعه و قدرت بوروکراتیک می‌داند (Leftwich, 2006: 150-151).

به همین منظور می‌توان از سیاست خارجی توسعه‌گرا به‌عنوان چارچوب نظری این پژوهش بهره برد.

۲-۲- مفهوم توسعه اقتصادی و شاخص‌های آن

توسعه در لغت به معنای گسترش دادن و از نظر اندیشه‌وران علوم اقتصادی و اجتماعی، به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظم اجتماعی به سوی زندگی بهتر یا انسانی‌تر است (Todaro, 2012: 23). برای اینکه تعریفی از توسعه اقتصادی داشته باشیم لازم است تفاوت میان رشد اقتصادی با توسعه اقتصادی را بدانیم. رشد بیشتر با کمیت کار دارد ولی توسعه با هر دو یعنی کمیت و کیفیت کار دارد (Sajedi, 2017: 25). به‌عنوان مثال در رشد اقتصادی، افزایش تولید ناخالص داخلی^۳ و یا افزایش

^۱. Adrian Leftwich

^۲. Chalmers Johnson

^۳. Gross Domestic Product (GDP)

تولید ناخالص ملی^۱ را در یک سال اندازه‌گیری می‌کنند. بنابراین تغییرات کمی در یک جامعه را رشد اقتصادی می‌نامند. اما توسعه اقتصادی علاوه بر کمیت، متغیرهای کیفی مانند رفع فقر، محرومیت، بیکاری و بی‌سوادی را شامل می‌گردد. در واقع توسعه اقتصادی تغییرات کیفی یک جامعه را بیان می‌کند. با توجه به تعاریف فوق شاید بتوان چنین تعریفی از توسعه اقتصادی داشته باشیم: توسعه اقتصادی عبارت است از: رشد کمی اقتصادی همراه با متغیرها و ظرفیت‌های فیزیکی، اجتماعی و انسانی. توسعه اقتصادی دو هدف اصلی دارد: اول افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه و ریشه‌کنی فقر و دوم ایجاد اشتغال می‌باشد (Shirzadi & Sakhaei, 2011: 186).

۳- سیر تاریخی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴

از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، رشد و ثبات اقتصادی ایران با موانع و چالش‌هایی روبه‌رو بوده است. ایران برای دستیابی به توسعه سیاسی و اقتصادی، شورش‌های داخلی، تحریم و تجاوز خارجی را تجربه کرده است. مجموع این موانع موجب گردیده فرایند توسعه در ایران روندی کند داشته باشد. یکی از این بزرگ‌ترین موانع، جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران بود که این جنگ ویرانی‌ها و آثار مخربی برای کشور در پی داشت. ج.ا. بعد از پایان جنگ هشت‌ساله برای بازسازی اقتصادی به تدوین برنامه‌های پنج‌ساله اقدام نمود که این برنامه‌ها عبارت‌اند از: برنامه اول توسعه (۱۳۷۲-۱۳۶۸)، برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴)، برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹)، برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴)، برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰) و برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶-۱۴۰۰).

اما یکی از مهم‌ترین برنامه‌های دولت در راستای ایجاد توسعه همه‌جانبه تدوین سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ می‌باشد. به همین دلیل در سال ۱۳۷۸ بحثی با عنوان «افق آینده» در دبیرخانه مجمع تشخیص آغاز گردید که سرآغاز طرح سند چشم‌انداز شد. واگذاری تدوین سند چشم‌انداز به مجمع تشخیص مصلحت نظام، با این استدلال انجام پذیرفته که چون سند چشم‌انداز خود نوعی تدوین سیاست کلی نظام است پس در حیطه وظایف مجمع می‌باشد. در حال سند چشم‌انداز در آذر سال ۱۳۸۲ به‌عنوان برنامه بیست‌ساله کشور و با عنوان «چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ ه.ش» از سوی مقام معظم رهبری به رئیس‌جمهور وقت آقای خاتمی ابلاغ شد (AkhavanKazemi, 2006: 85-86). سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ در سال ۱۳۸۲ تصویب گردید و به‌قوای سه‌گانه نیز ابلاغ شد و از آغاز سال ۱۳۸۴ دولت مکلف به اجرای این سند گردید. سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ افقی را برای ایران ترسیم کرده است که در این افق، ایران به قطب اول اقتصادی در ناحیه آسیای جنوب غربی در سال ۱۴۰۴ تبدیل خواهد شد.

². Gross National Product (GNP)

۴- تأثیرگذاری سیاست خارجی بر توسعه اقتصادی

سیاست خارجی مجموعه‌ای از اهداف، جهت‌گیری‌ها و ابزارهایی است که یک دولت در جهت دستیابی به منافع ملی خود در مقابل سایر کشورها اتخاذ می‌کند. هدف سیاست خارجی تأمین امنیت است که طیفی از تمامیت ارضی تا توسعه امکانات اقتصادی را در برمی‌گیرد. پس از فروپاشی سیستم دوقطبی جنگ سرد، توسعه اقتصادی به اصلی‌ترین برنامه سیاست خارجی کشورهای درحال توسعه تبدیل شده است. در دوره جدید که با جهانی‌شدن مشخص می‌شود، تأمین منافع اقتصادی می‌تواند از طریق سیاست خارجی فعال و توسعه‌گرا محقق شود. ظهور اقتصاد سیاسی جهانی و تغییرات عمده در اصول جهت‌گیری سیاست خارجی، منعکس‌کننده تأثیرات انکارناپذیر استراتژی‌های سیاست خارجی دولت بر قدرت اقتصادی است (Golmohammadi and et.al. 2015: 711).

در نظام بین‌الملل فعلی، سیاست خارجی تابعی از نظام داخلی کشورها شده و نمی‌تواند به‌عنوان یک متغیر مستقل تلقی شود؛ بنابراین یک برنامه‌ریزی دقیق و صحیح در سطح داخلی می‌تواند سیاست خارجی مطلوبی را به دنبال خود داشته باشد. سیاست خارجی مطلوب یکی از عوامل مؤثر بر عملکرد اقتصادی است. همچنین سیاست خارجی صلح‌آمیز و سازنده با کشورهای جهان، یکی از مؤلفه‌های اصلی تأمین امنیت ملی و کاهش ریسک‌آو نا اطمینانی برای سرمایه‌گذاری اعم از داخلی و خارجی است. نقش سیاست خارجی در ارتقاء پیشرفت یک کشور برای درک مسیر ملی آن از طریق ایجاد بستری امن از اهمیت بسیاری برخوردار است. این اعتقاد وجود دارد سیاست خارجی یک کشور در راستای ارتقاء توسعه آن است اما بندرت کسی در مورد سازوکارهایی که از طریق آنها سیاست خارجی می‌تواند واقعاً آن هدف را دنبال کند اطلاعی دارد. نقش دولت در استراتژی پیشرفت توسعه، موضوع بسیاری از آثار اقتصاد سیاسی است. یک خط فکری معتقد است که کشورهای درحال توسعه برای غلبه بر شکافی که آنها را از کشورهای توسعه‌یافته جدا می‌کند، نیاز به یک کشور قوی دارند. این نیاز بیشتر پس از انقلاب صنعتی انگلیس در کشورهای اروپای غربی پدید آمد. به‌عنوان مثال، آلمان در دوره بیسمارک و فرانسه در زمان ناپلئون سوم در اواخر قرن نوزدهم تحت فرایند نوسازی قرار گرفتند. آن‌ها معتقد بودند که هرچه کشور عقب‌مانده‌تر باشد، دولت و حکومت برای ارتقاء توسعه باید نقش بیشتری داشته باشند؛ بنابراین هنگام تحلیل نقش سیاست خارجی در ارتقاء توسعه، باید اهمیت حکومت در این فرایند را مورد تأیید قرار داد (Spohr&Silva, 2017: 159).

شاید این سؤال پیش بیاید که سیاست خارجی چه کمکی می‌تواند به توسعه اقتصادی کند؟ در

¹. Cold War

². Globalization

³. Risk

ارتباط با رویکرد سیاست خارجی باید از دو منظر به این موضوع نگریسته شود: نخست اینکه سیاست خارجی با فراهم آوردن بسترهای امنیتی و ایجاد ثبات و آرامش در کشور و تصمیماتی را که در عرصه سیاست می‌گیرد، موجب رشد و توسعه اقتصادی می‌گردد؛ دوم اینکه سیاست خارجی از طریق برنامه‌ریزی‌ها و تعیین استراتژی‌های اقتصادی، پیوند سیاست و اقتصاد را به وجود آورده که همان رهیافت اقتصاد سیاسی می‌باشد. این رهیافت بر وجود ارتباط میان مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی تأکید دارد و شکل‌گیری این ارتباط به شکل صحیح در واقع موجب پیشرفت اقتصادی می‌گردد. در اقتصاد سیاسی به دنبال تأثیر اقتصادی یک تصمیم‌گیری سیاسی هستیم که این تصمیمات برعهده دولت به‌عنوان یک نهاد سیاسی می‌باشد. یکی از موضوعاتی که در رابطه سیاست خارجی و توسعه اقتصادی مهم جلوه می‌کند، موضوع قدرت می‌باشد و این قدرت از طریق نهادهای سیاسی و با تدوین برنامه‌ریزی‌های مدون به وجود می‌آید. در خصوص رابطه قدرت و سیاست خارجی به این موضوع اشاره کنیم که اگر قدرت به این معنا تفسیر شود، جهت‌گیری و تصمیم‌گیری سیاست خارجی نیز عناصر تسهیل‌کننده افزایش قدرت و ثروت مردم و کشور قلمداد خواهد شد (Sariolghalam, 2011, a: 55).

به نظر می‌رسد قدرت امروزه به معنای نظامی و امنیتی شاخصی برای توسعه اقتصادی محسوب نمی‌گردد. طی دهه‌های گذشته سیاست خارجی نه تنها در میان کشورهای صنعتی بلکه در میان کشورهای در حال توسعه به‌عنوان اهرمی برای افزایش ثروت ملی تبدیل شده است و باعث کسب قدرت کشورها گردیده است. قدرت کشورها دیگر نه در وسعت سرزمین بلکه در افزایش قدرت ملی از طریق ارتقاء تولید ناخالص داخلی و قدرت صادرات کالا محاسبه می‌شود (Sariolghalam, 2011, b: 50). جایگاه سیاست خارجی در این پژوهش هم ارتباط‌دهنده مؤلفه‌های اقتصادی و سیاسی است و هم اینکه به وجود آورنده قدرت اقتصادی است که می‌توان از آن به‌عنوان اقتصاد سیاسی نام برد. آنچه که در رابطه سیاست خارجی و توسعه اقتصادی بدان اذعان شد این است، سیاست خارجی با اتخاذ تصمیمات منطقی، ثبات و امنیت را برای توسعه اقتصادی فراهم می‌نماید.

۴-۱- پیوند ایدئولوژی با سیاست خارجی در اقتصاد سیاسی ایران

در اکثر مطالعات صورت پذیرفته بر سر مفهوم اقتصاد سیاسی بین صاحب‌نظران اتفاق‌نظری وجود ندارد و این مناقشه همچنان بین اندیشمندان وجود دارد. علی‌رغم وجود این مناقشه‌ها بسیاری از اندیشمندان در مورد مهم‌ترین مسئله در ارتباط با اقتصاد سیاسی، تعامل میان دولت به‌عنوان یک واحد سیاسی و بازار شامل بازارهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی اجماع نظر دارند. تبیین اقتصاد سیاسی ج.ا.ا. کاری بس دشوار به نظر می‌رسد و علت این دشواری این است، گروه‌ها و احزاب مختلفی در جامعه وجود دارند که خط و مشی‌های دولت را تعیین می‌کنند و سیاست‌هایی را در سایه برای دولت ترسیم می‌کنند؛ اما آنچه که در طول سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، اقتصاد

سیاسی ایران را جهت داده، وجود ایدئولوژی بوده است و بر اساس آن، تفکر اقتصاد اسلامی در جامعه شکل گرفته است که تفاوت بسیاری با اقتصاد بازار آزاد دارد. در واقع اقتصاد سیاسی ج.ا.ا. را باید از منظر اقتصاد اسلامی بنگریم. چرا که این اقتصاد اسلامی است که پایه و اساس اقتصاد و سیاست را تشکیل می‌دهد و اقتصاد سیاسی را مدیریت می‌کند. در خصوص اقتصاد اسلامی نمی‌توان یک تعریف مشخصی از آن ارائه داد و اتفاق نظری در این مورد بین صاحب‌نظران وجود ندارد. امروزه توجه به اقتصاد اسلامی به‌عنوان یک رویکرد و قرائت خاص در علم اقتصاد، فزونی یافته و اقتصاددانان اسلامی با تأکید بر این رویکرد به نظریه‌پردازی در حیطه مسائل اقتصادی می‌پردازند. نتایج این رویکرد می‌تواند نقش برجسته‌ای در نوع سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشورهای مسلمان داشته باشد (Zaranejad & et.al. 2019: 5). تاریخچه ادبیات توسعه در غرب نشان می‌دهد، جهت‌گیری نظام غرب در توسعه، به سمت اقتصاد و ناشی از جهان‌بینی مادی حاکم بر اندیشه غرب ولی جهت‌گیری توسعه در اسلام، تربیت و رشد معنوی انسان است. توسعه از دیدگاه غرب و اسلام مبتنی بر تعاریف متفاوت این دو نظام از انسان و سعادت اوست. توسعه غربی به معنای سمت‌گیری نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جهت رشد اقتصادی است و به‌عبارت‌دیگر در این نظام، اقتصاد زیربنای همه برنامه‌ریزی‌ها است. بیش‌خاصی که جهان مادی را تفسیر می‌کند اساس این نگرش در توسعه است؛ اما در نظام اسلامی، هدف، فریاد شدن جامعه در بُعد مادی نیست؛ بلکه جنبه‌های معنوی نیز مدنظر است. در واقع توسعه در اسلام به معنای ارتقای کل جامعه و نظام اسلامی به سوی زندگی انسانی‌تر و سیرالی‌الله است. از این منظر در اسلام توسعه اقتصادی یک‌راه است نه هدف (Nasroulahi & et.al. 2011: 9).

اقتصاد اسلامی در برخی از کشورهای مسلمان و مذهبی پایه‌گذار اقتصاد سیاسی می‌باشد؛ برای اینکه حکومت‌های مذهبی به‌عنوان یک نظام سیاسی بر اساس فرامین اسلامی قوانینی را در اقتصاد و بازار وضع می‌نمایند و بر اساس آن قوانین اقدام به سیاست‌گذاری اقتصادی می‌نمایند. اگر از منظر سیاسی به موضوع اقتصاد نگریسته شود منظور از آن حفظ استقلال، عدم ادغام در اقتصاد جهانی، نپذیرفتن الگوی اقتصاد غربی و نیز عدم پذیرش اقتصاد آزاد است؛ اما اگر از جنبه دینی به اقتصاد نگریسته شود باید به تأثیر عوامل معنوی و اعتقادات اسلامی که نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتار اقتصادی دارند نیز توجه شود. از این‌رو لازم است در مطالعات اقتصادی رفتار مسلمانان به‌ویژه مطالعات رشد اقتصادی، به پیش‌فرض‌های اسلامی و اعتقادات مسلمانان توجه شود. از جهت تاریخی نقطه آغاز مباحث اقتصاد اسلامی به اوایل دهه ۱۳۵۰ و پس از کتاب معروف شهید محمدباقر صدر (اقتصاد ما) برمی‌گردد. مبنای این جریان شالوده‌ریزی^۱ یک پایگاه مستقل اسلامی در مورد اهداف، اصول و ویژگی‌های نظام اقتصادی در مقابل نظام سرمایه‌داری غرب و اقتصاد

^۱. Foundations

سوسالیستی شرق بود.

بلافاصله طیف کوچکی از متفکران اسلامی و محققان علوم دینی در ایران به این جریان دامن زدند. فضای آماده فکری و اجتماعی در سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی از طرفی و نیاز نظام تازه استقرار یافته اسلامی از طرفی دیگر، باعث رشد سریع ایدئولوژی‌های سیاسی - اقتصادی اسلامی و انتشار ادبیات مذکور در محافل دانشگاهی و حوزوی گردید. ارتباط محتوایی و حضور شخصیت‌های این جریان در حلقه‌های تصمیم‌گیرنده ج.ا. باعث شد بارها به مباحث و دیدگاه‌های این جریان در دهه اول انقلاب پرداخته شود و حتا به سبب عدم انسجام، صاحب‌نظران آن به کشمکش قانونی وارد شوند. آشکارترین دستاورد این جریان تنظیم و تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۲ بود (Khandoozi, 2004: 189). اقتصاد اسلامی یک اقتصاد آزاد نیست؛ بلکه اقتصادی تحت نظارت و ارشاد دولت و پیچیده به ارزش‌ها و مقررات و محدودیت‌هایی است که اسلام یا حاکم اسلامی برای فعالیت‌های اقتصادی وضع می‌کند.

۲-۴- نقش تصمیمات سیاسی در اقتصاد ایران

جریان‌شناسی اقتصاد سیاسی در ایران موجب گشت دولت‌هایی که در بعد از انقلاب، در رأس امور قرار گرفتند بر اساس معیارهای ایدئولوژیکی، جغرافیایی، اجتماعی، عوامل اقتصادی و نظامی برای کسب منافع بیشتر اقتصادی تصمیماتی را در زمینه سیاست‌های خارجی اتخاذ نمایند. از آنجا که کشور ایران دارای معادن غنی نفت و گاز می‌باشد اولویت تصمیم بر این بنا شد که اقتصاد ایران بر اساس فروش و صادرات نفت اداره گردد و یک دولت رانتیر ایجاد گردد و به صادرات غیرنفتی توجه زیادی نشود و تنها با اتکا به فروش نفت و با یک اقتصاد بسته بدون ادغام در اقتصاد جهانی و بازار آزاد به رشد اقتصادی دست یابد که این امر موجب گشته روند توسعه اقتصادی در ایران روندی معکوس داشته باشد. در ذیل به برخی از این تصمیمات سیاسی اشاره می‌گردد:

۱-۲-۴- ایجاد دولت رانتیر

اقتصاد ایران به صادرات نفت بسیار وابسته است؛ تقریباً ۵۰٪ از درآمد ملی بودجه و ۸۰٪ از صادرات کشور را نفت تشکیل می‌دهد (Mosallanejad & Sheikhzadeh, 2008: 44-45). ج.ا.ا. به واسطه داشتن این منبع مهم زیرزمینی، اقتصاد خود را به صادرات این طلای سیاه وابسته کرد و به صادرات غیرنفتی توجه ویژه نشد. این باعث گردید تمرکز دولت صرفاً به این بخش از صادرات باشد و نسبت به دیگر منابع کشور توجهی نگردد. به همین منظور درآمد بالای حاصل از فروش نفت موجب رشد روحیه رانتیری در کشور گردید. درآمد بالای نفت موجب گشت ایران چهارمین و بزرگ‌ترین دارنده ذخیره نفت و گاز در بین ۱۰ تولیدکننده برتر نفت و ۵ تولیدکننده برتر گاز طبیعی در جهان باشد (U.S. Energy Information Administration EIA, 2019). همچنین بعد از ونزوئلا و عربستان، ایران دارای ۱۵۵/۶۰ میلیارد بشکه ذخیره نفت خام می‌باشد که ۱۳/۱٪ از ذخایر نفتی کل اوپک را به خود نیز اختصاص داده است (OPEC, 2019). به همین منظور ج.ا.ا. به واسطه

درآمد بالای نفتی، تأکیدی برای گسترش صنایع و توسعه صنعت ندارد و این امر موجب گشته نسبت به تجارت و سرمایه‌گذاری‌های خارجی بی‌تفاوت باشد.

۲-۲-۴- اقتصاد بسته (عدم وابستگی به اقتصاد جهانی)

یکی از عناصر اقتصاد جهانی، اقتصاد بازار آزاد می‌باشد؛ بدون شک در جهانی که ما زندگی می‌کنیم اقتصاد آزاد و دموکراسی، دو پدیده از هم ناگسسته است. در ایران نیز با پایان یافتن جنگ و آغاز نخستین برنامه توسعه اقتصادی لزوم بازنگری در نقش و فعالیت‌های دولت در زمینه اقتصاد مطرح شد. به سخن دیگر کارگزاران سیاسی و اقتصادی کشور دریافتند که دیگر ضرورتی به دخالت بسیار فعال دولت در حوزه‌های تولید و توزیع نیست و باید به بخش خصوصی میدان فراخ‌تری داده شود (Kazerooni & Feshari, 2008: 223). به‌همین منظور در سال ۱۳۶۸ برای اولین بار پس از انقلاب، اقتصاد ایران با یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای از اقتصاد مبتنی بر خودکفایی یا اقتصاد متکی بر دولت به اقتصاد با گرایش بازار روی آورد.

این برنامه در مقطعی از تاریخ حیات اقتصادی کشور به مرحله اجرا درآمد که همان سیاست‌های تعدیل اقتصادی در دوران سازندگی می‌باشد. برنامه تعدیل اقتصادی به معنی تغییر سیاست‌های اقتصادی به‌منظور بهبود عملکرد اقتصادی است؛ اما این روند در سال‌های بعد به دلیل کارشکنی‌هایی که صورت پذیرفت تداوم نیافت؛ دو مشکل عمده بر سر راه این‌گونه اقتصاد بود؛ نخست عده‌ای از کارگزاران دولتی منافعی با خصوصی‌سازی به خطر افتاده بود و دوم اینکه سیاست‌های تعدیل اقتصادی منجر به این شده بود اقتصاد بازار آزاد که مورد حمایت نظام‌های سرمایه‌داری بود، پای عده‌ای از کارشناسان سازمان‌های بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول را به کشور باز کند که این موضوع با ایدئولوژی انقلاب اسلامی منافات داشت. همچنین گروه‌های ذی‌نفع قدرتمند که بیشتر با نهادهای مذهبی در ارتباط هستند، با پیگیری آزادسازی اقتصادی و برقراری مجدد با اقتصاد جهانی، مخالف می‌باشند. عده‌ای در داخل ایران جهانی شدن را پدیده‌ای غربی می‌دانند که قصد دارد سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را به بقیه کشورها بقولاند. بدین سبب است که اقتصاد جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها در تعامل نیست و ترجیح می‌دهد خودکفایی داشته باشد که این سیاست می‌تواند مانع رشد اقتصادی و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی گردد.

۳-۲-۴- نپیوستن جمهوری اسلامی ایران به (گروه ویژه اقدام مالی در پول شویی)

گروه ویژه اقدام مالی ناظر جهانی پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم است. این نهاد بین‌دولتی استانداردهای بین‌المللی را تعیین می‌کند که هدف آن جلوگیری از این فعالیت‌های غیرقانونی و آسیب‌هایی است که به جامعه وارد می‌کنند. به‌عنوان یک نهاد سیاستگذار، FATF تلاش می‌کند تا اراده سیاسی لازم را برای ایجاد اصلاحات قانونی و نظارتی ملی در این زمینه ایجاد کند. این گروه از سال ۲۰۰۹ م (۱۳۸۸) کشور ایران را به بهانه عدم شفافیت مالی در لیست اقدامات مقابله‌ای خود

¹. Financial Action Task Force (FATF)

قرارداد. بعد از طی فرایندی نام جمهوری اسلامی ایران در نشست ماه ژوئن سال ۲۰۱۶ از فهرست سیاه کشورهای اقدام متقابل خارج شد. ایران و کره شمالی در لیست کشورهای اقدام متقابل قرار داشتند.

سپس گروه ویژه اقدام مالی به ایران ۱۸ ماه فرصت داده بود تا دو لایحه مربوط به پول شویی و تأمین مالی تروریسم را تصویب کرده و تعهدات برخاسته از آن را اجرا کند؛ اما دولت ایران به علت مخالفت شورای نگهبان موفق به تصویب این دو لایحه نشد. همچنین تعلل مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز مانع از تصمیم گیری نهایی درباره این موضوع شد. به همین علت در فوریه سال ۲۰۲۰ (۲ اسفند ۱۳۹۸) مجدداً ایران در لیست سیاه قرار داده شد، ظرف این مدت، شش بار تعلیق ایران از اقدام متقابل از سوی گروه ویژه اقدام مالی تمدید شده است (Dw Persain, 2020). تبعات نپیوستن ایران به FATF تقریباً آثار مخربی بر اقتصاد ایران از خود برجای خواهد گذاشت چراکه در حوزه اقتصادی مبادلات بانکی و تجاری با سایر کشورها دچار مشکل خواهد شد. این نهاد در خصوص اعطای وام‌های بین‌المللی این مسئله را مطرح می‌نماید به دلیل اینکه ایران قانون مبارزه با پول شویی را به تصویب نرسانده، مشخص نیست این وام‌ها در کجا هزینه خواهد شد. به همین منظور از اعطای وام به ایران خودداری می‌گردد. مسدود شدن حساب‌های تجاری ایران در خارج از کشور، کاهش شدید درآمدهای ارزی و بالا رفتن نرخ ارز نیز از دیگر اثرات مخرب نپیوستن به FATF خواهد بود.

۴-۳- جایگاه اقتصادی ایران در ناحیه خاورمیانه با توجه به سند چشم‌انداز

باید اذعان داشت فهم نادرست ما از جریان‌های بین‌المللی برای ما بسیار پرهزینه بوده است. بسیاری از مسئولین تصور می‌کردند که مبنای قدرت در جهان ایدئولوژی است در حالی که مبنای قدرت در جهان رشد اقتصادی می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران با توجه به ماهیت ایدئولوژیک نظام حاکم بر آن از یک سو و توان و پتانسیل فراوان جمعیتی، سرزمینی، اقتصادی، ویژگی‌های خاص ژئوپلیتیکی و موقعیت استراتژیک آن در ناحیه خاورمیانه از سوی دیگر طبیعتاً تمایل دارد که به قدرتی مسلط در منطقه تبدیل شود (Daheshiar & Heydari, 2020B: 12).

کشورهایی که توسعه پیدا کردند ابتدا در حوزه اقتصادی توسعه یافته و سپس توسعه سیاسی یافته‌اند. باگذشت بیش از چهارده سال از ابلاغ سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، در پژوهش حاضر سعی گردید ارزیابی از وضعیت اهداف کلان اقتصادی سند به عمل آمده، جایگاه کشور را در بین رقبای اصلی منطقه مشخص کنند. بدین منظور نگارندگان با مراجعه به گزارش‌های سالانه و فصلی سازمان‌های بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول و آنکتاد (کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل) و همچنین با بررسی شاخص‌های اساسی و موردقبول توسعه در کشورهای منطقه که امکان دسترسی به داده‌های آنها موجود است، وضعیت و جایگاه ایران را از حیث توسعه‌یافتگی در خاورمیانه تعیین کنند. با عنایت به ذکر آنچه که رفت بر اساس یافته‌های پژوهش و بر اساس نتایج

¹. Unctad Stat (United nations conference on trade and development)

گزارش صندوق بین‌المللی پول و آنکتاد میانگین رشد اقتصادی، میانگین نرخ تورم و همچنین میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی کشورهای خاورمیانه در ذیل آمده است:

۴-۳-۱- رشد اقتصادی

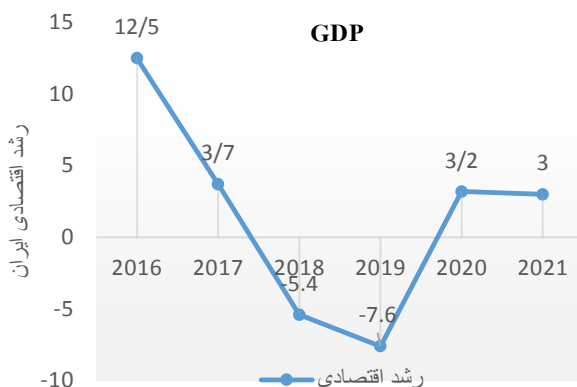
رشد اقتصادی به تعبیر ساده عبارت است از افزایش تولید یک کشور در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. بعد از اجرای برجام در سال ۲۰۱۶، ایران بالاترین میزان رشد اقتصادی را تجربه کرده که با نرخ رشد اقتصادی ۱۲/۵٪ در جایگاه دوم کشورهای خاورمیانه قرار داشت. در سال ۲۰۱۷، با نرخ رشد اقتصادی ۳/۷٪ در جایگاه سوم قرار گرفت و متأسفانه بعد از خروج ایالات متحده از برجام در سال ۲۰۱۸، اقتصاد ایران با رشد منفی مواجه شد و به ترتیب با نرخ ۵/۴- در سال ۲۰۱۸ و ۷/۶- در سال ۲۰۱۹ در رتبه آخر جدول قرار گرفت. اولین ابزار برای اعمال فشار حداکثری بر ایران، بازگرداندن تحریم‌های لغو شده و تعلیق شده اقتصادی، مالی و بانکی و افزایش دامنه آنها نسبت به دوره پیش از برجام بود (Alikhani, 2020: 70). خروج آمریکا از برجام از سال ۲۰۱۸ موجب کاهش تولید ناخالص داخلی ایران شده است و البته شیوع کرونا هم در این ارتباط مؤثر بوده است. اما پیش‌بینی رشد ۳/۲٪ و کاهش تورم برای ۲۰۲۱ از سوی این صندوق، حاکی از آن است که ایران راهبردهایی را برای تقویت اقتصاد خود در دوره تحریم‌ها در پیش گرفته که در ۲۰۲۱، نتیجه می‌دهد (Naghshbandi and et.al., 2021:169-170) که بر اساس پیش‌بینی صندوق در سال ۲۰۲۱ جایگاه ایران دارای رشد اقتصادی ۳٪ می‌باشد.

ردیف	نام کشور	GDP	ردیف	نام کشور	GDP
1	مصر	4/74	8	اردن	2/08
2	ترکیه	4/1	9	قطر	1/8
3	عراق	3/7	10	عربستان	1/56
4	اسرائیل	3/36	11	کویت	0/38
5	بحرین	2/8	12	ایران	0/32
6	عمان	2/44	13	لبنان	-1/16
7	امارات	2/32	14	یمن	-7/92

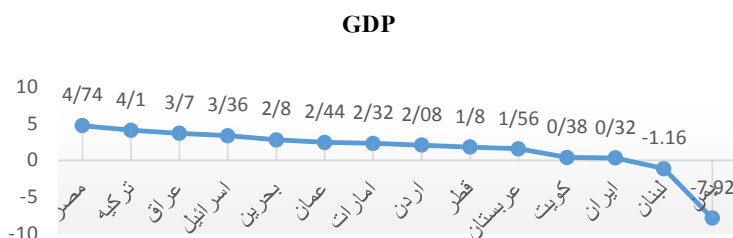
جدول شماره ۱: میانگین رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه در بین سالهای ۲۰۱۵-۲۰۱۹

Table 1: Average economic growth of Middle Eastern countries between 2015-2019

(Source: International Monetary Fund, 2020)



نمودار شماره ۱: رشد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بین سالهای ۲۰۱۶-۲۰۲۱
 Chart 1: Economic growth of the Islamic Republic of Iran between 2016-2021
 (Source: International Monetary Fund, 2021)



نمودار شماره ۲: میانگین رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه بین سالهای ۲۰۱۵-۲۰۱۹
 Chart 2: Average economic growth of Middle Eastern countries between 2015 -2019
 (Source: International Monetary Fund, 2020)

۴-۳-۲- تورم

تورم عبارت است از رشد همه گیر، مداوم و نامنظم سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات در یک دوره زمانی نسبت به دوره قبلی مشابه. بر اساس گزارش صندوق بین المللی پول نرخ تورم در ج.ا.ا. در سال ۲۰۱۶ بعد از امضای برجام ۹/۱٪ و رتبه دوازدهم را در میان کشورهای فوق داشتیم، در سال ۲۰۱۷ با نرخ تورم ۹/۶٪ در رتبه یازدهم قرار گرفتیم و در سال های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ بعد از خروج ایالات متحده از برجام شاهد بالاترین میزان نرخ تورم در طی سال های گذشته بودیم. نرخ تورم ایران در سال ۲۰۱۸، ۳۱/۲۷٪ و در سال ۲۰۱۹، ۴۱/۱٪ بوده است که با این نرخ ایران در رتبه آخر جدول قرار گرفت. گزارش اخیر بانک مرکزی در سال ۱۳۹۸ مبنی بر نرخ تورم ۴۱/۲٪ شاهدهی بر این ادعاست. بر اساس گزارش صندوق بین المللی پول نرخ تورم ج.ا.ا. در سال ۲۰۲۰، ۳۰٪ و بر

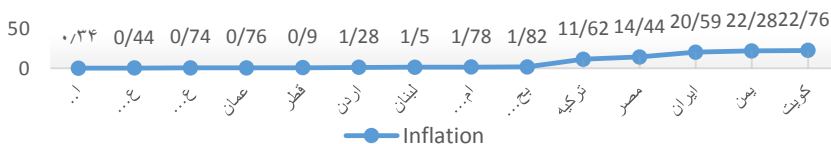
اساس پیش‌بینی این صندوق نرخ تورم ج.ا.ا در سال جاری ۲۰۲۱، مشابه سال گذشته ۳۰٪ پیش‌بینی گردیده است. بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول کمترین تا بیشترین میانگین نرخ تورم در میان ۱۴ کشور خاورمیانه به شرح ذیل است:

GDP	نام کشور	ردیف	GDP	نام کشور	ردیف
1/78	امارات	8	0/34	اسرائیل	1
1/82	بحرین	9	0/44	عراق	2
11/62	ترکیه	10	0/74	عربستان	3
14/44	مصر	11	0/76	عمان	4
20/59	ایران	12	0/9	قطر	5
22/28	یمن	13	1/28	اردن	6
22/76	کویت	14	1/5	لبنان	7

جدول شماره ۲: میانگین نرخ تورم در بین سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۹

Table 2: Average inflation rate between 2015-2019

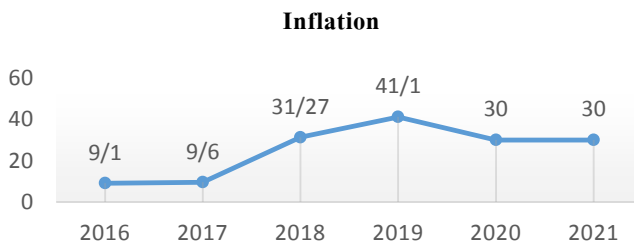
(Source: International Monetary Fund, 2020)



نمودار شماره ۳: میانگین نرخ تورم کشورهای خاورمیانه بین سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۹

Chart 3: Average inflation rate in the Middle East between 2015-2019

(Source: International Monetary Fund, 2020)



نمودار شماره ۴: نرخ تورم جمهوری اسلامی ایران بین سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۲۱

Chart 4: Inflation rate of the Islamic Republic of Iran between 2016-2021

(Source: International Monetary Fund, 2020)

۴-۳-۳- آنکتاد (کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل)

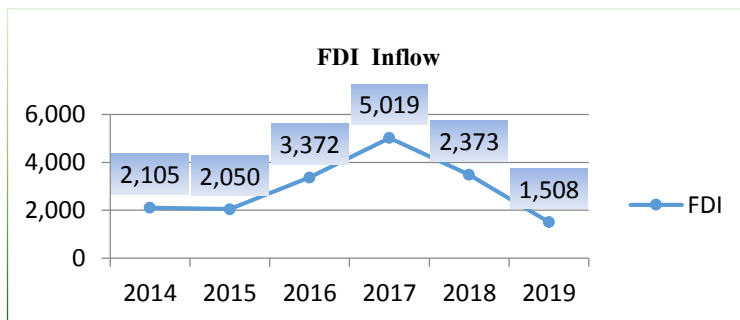
آنکتاد یکی از ارکان فرعی سازمان ملل می‌باشد که در سال ۱۹۶۴ باهدف یکپارچگی کشورهای درحال توسعه با اقتصاد جهانی تأسیس شد. آنکتاد در پی آزادی تجارت بین‌المللی در چارچوب حمایت از کشورهای توسعه‌نیافته جهان، کاهش میزان ضررها و مساعدت برای توسعه اقتصادی آنها و غیره است. این مجموعه از طریق جستجو و تجزیه و تحلیل رویه‌ها و جمع‌آوری اطلاعات به دنبال ایجاد زمینه برای مشورت بین دولت‌ها و تبادل تجربیات باهدف یکپارچه‌سازی عوامل توسعه است. همچنین آنکتاد با سازمان‌های دیگر برای رفع نیازهای کشورهای درحال توسعه همکاری دارد. آنکتاد همه‌ساله گزارشی از میزان سرمایه‌گذاری خارجی در سطح جهانی و با تکیه بر آمارهای کشورهای تهیه و به‌طور هم‌زمان در ۱۴۱ کشور جهان منتشر می‌کند. بر اساس این گزارش، میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در سال ۲۰۱۴ زمانی که تحریم‌ها به قوت خود باقی بود بالغ بر ۲ میلیارد و ۱۰۵ میلیون دلار بود، این رقم در سال ۲۰۱۵ به ۲ میلیارد و ۵۰ میلیون دلار رسید. در سال ۲۰۱۶ اجرای برجام منحنی سرمایه‌گذاری خارجی افزایش پیدا کرد و میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی به ۳ میلیارد و ۳۷۲ میلیون دلار رسید. اوج سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در سال ۲۰۱۷ بود که منحنی رشد رقم ۵ میلیارد و ۱۹ میلیون دلار را نمایش می‌داد که ۵۰٪ افزایش داشته است؛ اما متأسفانه در سال ۲۰۱۸ و با خروج ایالات متحده از برجام میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی به رقم ۲ میلیارد و ۳۷۳ میلیون دلار کاهش پیدا کرد (UNCTAD, 2018). بر اساس آخرین گزارش آنکتاد در میان کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۱۹ طبق نمودار شماره ۵، ج.ا.ا. با رقم ۱ میلیارد ۵۰۸ میلیون دلار نسبت به جذب سرمایه خارجی اقدام کرده است که این رقم نسبت به مشابه سال گذشته، کاهش داشته است (UNCTAD, 2018).

ردیف	نام کشور	GDP	ردیف	نام کشور	GDP
1	اسرائیل	21/803	7	لبنان	2/880
2	ترکیه	12/944	8	ایران	2/373
3	امارات	10/385	9	بحرین	1/515
4	مصر	6/798	10	اردن	950
5	عمان	4/191	11	کویت	346
6	عربستان	3/209			

جدول شماره ۳: جذب سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۲۰۱۸

Table 3: Attracting foreign investment in 2018

(Source: UNCTAD, 2018)



نمودار شماره ۵: جذب سرمایه‌گذاری خارجی ایران بین سالهای ۲۰۱۴-۲۰۱۹ (میلیون دلار)

Chart 5: Attracting Iranian foreign investment between 2019-2014 (Million Dollars)

(Source: UNCTAD, 2019)

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی میان سیاست خارجی و اهداف توسعه اقتصادی رابطه‌ای متقابل وجود دارد و تحلیل چنین رابطه‌ای با توجه به اهداف دولت‌ها متفاوت می‌باشد. در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ به موضوع رابطه توسعه اقتصادی و سیاست خارجی اشاره گردیده است. هدف ج.ا.ا. در این سند دست یافتن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح آسیای جنوب غربی است و بلافاصله به این موضوع اشاره گردیده تحقق چنین هدفی ملزم به داشتن تعامل سازنده و مؤثر با جهان نیز می‌باشد. در اینجا می‌توان به رابطه سیاست خارجی و توسعه اقتصادی پی برد. سایت خارجی از طریق ایجاد فضای امنیتی می‌تواند بستر ساز توسعه اقتصادی باشد؛ اما آنچه در این مقاله بدان اشاره گردید سیاست خارجی ج.ا.ا. خاستگاهی ایدئولوژیک دارد، همچنین تصمیماتی که در این حوزه اتخاذ می‌گردد تصمیماتی احساسی و ایدئولوژیک است. تسری چنین رویکردی در حوزه اقتصادی موجب گردیده فضای امنیت اقتصادی کشور از اهمیت کمی برخوردار باشد. به تناسب هر چه سطح فضای امنیتی در اقتصاد از سطح بالایی برخوردار باشد فضا برای دیپلماسی اقتصادی و مراودات تجاری بیشتر می‌گردد.

اقتصاد ج.ا.ا. در حال حاضر برای رسیدن به توسعه در راستای سند چشم‌انداز نیازمند چنین فضایی است. آنچه در مقطع کنونی به نظر می‌رسد سیاست خارجی ج.ا.ا. همانند گذشته در برخورد با مسائل بین‌المللی همچنان تابع مسائل ایدئولوژیک می‌باشد و ادامه چنین روندی در آینده دور از ذهن نیست و اتخاذ چنین تصمیماتی به باور سیاستگذاران خارجی در ایران، نتیجه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. با عنایت به مطالب ذکر شده در این پژوهش سه شاخص مهم اقتصادی از قبیل

رشد اقتصادی، تورم و میزان سرمایه‌گذاری خارجی در بین کشورهای خاورمیانه که به‌عنوان رقیب ایران در سال ۱۴۰۴ مطرح گشته‌اند بررسی گردید. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد آنچه در آمار و جداول به آنها اشاره گردید در هر سه شاخص، ایران در انتهای جدول می‌باشد. آنچه مسلم است جایگاه ایران در مقایسه با کشورهای همسایه خود مانند ترکیه، امارات، عربستان و حتی عراق از موقعیت مناسبی برخوردار نیست و این معلول روند کنونی فرایند سیاست خارجی ج.ا.ا می‌باشد. طبق بررسی این پژوهش طی چهار سال باقی‌مانده تا اجرای کامل سند چشم‌انداز هنوز فاصله زیادی با اهداف پیش‌بینی‌شده در منطقه داریم؛ به همین منظور یافته‌های این پژوهش ضرورت برنامه‌ریزی دقیق‌تر به‌منظور دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز را مورد تأکید قرار می‌دهد. با توجه به رقابتی بودن منطقه آسیای جنوب غربی چنانچه ج.ا.ا. خواهان دستیابی به اهداف این سند است و از آنجایی که اهداف سیاست خارجی و ایدئولوژی در ارتباط باهم می‌باشند، لازم است تصمیم‌گیرندگان با اعمال مدیریت راهبردی در سیاست خارجی در رابطه با محیط بیرونی و داخلی نسبت به برقراری توازن بین ایدئولوژی و اهداف سیاست خارجی به‌منظور دست یافتن به توسعه اقتصادی تلاش بی‌وقفه‌ای را انجام دهند.

References

1. Aboutalebi, H. (2008). *The Role of Basic Concepts in Developmental Foreign Policy*. Collection of development-oriented foreign policy articles, Tehran: Center for Strategic Research. First Edition. **(In Persian)**
2. Akhavankazemi, B. (2006). A look at the 20-year vision document and its political components, *Islamic Government Quarterly*, 10 (4), 80-107. **(In Persian)**
3. Alikhani, M. (2020). The Steady Trump's strategy of maximum pressure on Iran from the perspective of coercive power, *International studies Journal*, 17(1), 63-86. **(In Persian)**
4. Amiri, S. (2017). Strategies for the Developmental Government and the Prosperity of the Singapore Economy (2000-2015), *Quarterly Journal of Political Studies*, 9(36), 161-184. **(In Persian)**
5. Baghchi, A. K. (2000). The Past and the Future of the Developmental State, *Journal of world systems research*. Vol. 6(2) 398-442.
6. Daheshyar, H., Heidari, M. (2020). Comparative Study of the Sources of Political Competition between Iran and Turkey in the Middle East, *Quarterly Journal of Political Studies*, 12 (48), 22-1. **(In Persian)**

7. Golmohammadi, V., Atanejad, H., Naghib Sharbabaki, H. (2015). Foreign Policy Strategies towards Economic Development; Comparative Study of the Republic of Turkey and the Islamic Republic of Iran (2004-2013), *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 6(3), 711-719.
8. IMF. (2020). Economic Growth Report, at: <https://www.IMF.org/en/countries/irn>.
9. IMF. (2021). Economic Growth Report, at: <https://www.IMF.org/en/countries/irn>.
10. IMF. (2020). Inflation Rate Report, at: <https://www.IMF.org/en/countries/irn>.
11. Khandoozi, E. (2004). The flow of economic thought in Iran today, *Strategy Quarterly*, (12) 2, 163-202. **(In Persian)**
12. Kazerooni, A., Feshari, M. (2008). Article 44 of the Constitution and the Challenges Facing Private Banking in Iran, *Quarterly Journal of Political-Economic Ettelaat*, 22(9), 10, 222-233. **(In Persian)**
13. Landsberg, C. (2005). Toward A Developmental Foreign Policy? Challenges for South Africa's Diplomacy in the Second Decade of Liberation, *Social Research*, 72(3), 723-756, Published by: The Johns Hopkins University Press.
14. Leftwich, A. (2006). *Developmental governments on the importance of politics in development*, translated by Javad Afshar Kohan. Mashhad: Marandiz. first Edition, **(In Persian)**
15. Lahoutian, A. (2016). Developmental Government and Its Future in the Process of Globalization, *Science and Technology Policy*, 6(4), 65-76. **(In Persian)**
16. Mousavi Shafaei, M. (2009). Collection of Developmental Foreign Policy Articles, *International Quarterly Journal of Foreign Relations*, 1(1), 257-270. **(In Persian)**.
17. Mosalinejad, A., Sheikhzadeh, H. (2014). *The Role of Oil in Iran's Economic Development*, *Politics Quarterly*, 43(4), 40-63. **(In Persian)**
18. Nasrollahi, Z., Mir Hosseini, M., Kargarian, S., Forouzandeh, A. (2012). Study of the level of development of different regions of the country based on Islamic indicators, *Islamic Economics and Banking Quarterly*, 1(1), 9-21. **(In Persian)**
19. Naghshbandi, A., Dehshiri, M., Keshishyan, G., Ghaedi, M. (2021). Political and economic consequences of the US withdrawal from the JCPOA for Iran in the Trump era and the beginning of the Biden's presidency, *International studies Journal*, 17(3), 157-176. **(In Persian)**
20. OPEC Annual Statistical Bulletin. (2019). Opec Share of World Crude Oil Reserves,

at:https://www.opec.org/opec_web/en/data_graphs/330.htm

21. Sajedi, A. (2017). *The Slowdown of the Middle East Development*. Qom: NasimKowsar. First Edition. **(In Persian)**

22. Sariolghalam, M. (2011). The Concept of Power and Foreign Policy Performance: A Comparison of China and Iran, *Foreign Relations Quarterly*, 3(1), 74-49. **(In Persian)**

23. Shirzadi, R., Sakhaei, E. (2011). Globalization and Development Planning in Iran (1989-2011), *Quarterly Journal of Political Studies*, 3(12), 198-175. **(In Persian)**

24. Spoher, A., Silva, A. (2017). Foreign Policy's Role in Promoting Development: The Brazilian and Turkish cases, Jan/Apr 2017. at: <https://www.scielo.br/j/cint/a/hkFfrLFspg8DqrkynMct9GL/?lang=en>

25. Todaro, M. (2012). *Economic Development in the Third World*, translated by Gholam Ali Farjadi. Tehran: Koohsar. Nineteenth Edition. **(In Persian)**

26. Deutsche Welle Persian. (2020). The Financial Action Task Force (FATF) put Iran on its blacklist. February 21. at: <https://www.dw.com/fa-ir/a-52463524>. **(In Persian)**

27. US Energy Information Administration Report. (2019). Country Analysis Executive Summary: Iran, January 7, at: https://www.eia.gov/international/content/analysis/countries_long/Iran/archive/pdf/iran_2019.pdf

28. UNCTAD. (2018). FDI and External Financial Resources, at:

: <https://unctadstat.unctad.org/CountryProfile/GeneralProfile/en-GB/364/index.html>

29. UNCTAD. (2019). FDI and External Financial Resources, at: <https://unctadstat.unctad.org/CountryProfile/GeneralProfile/en-GB/364/index.html>

30. Zaranejad, M., Khodapnah, M., Kamranpour, S. (2019). Study of Iran's economy in the form of a macroeconomic model from the perspective of Islamic economics with emphasis on economic growth, *Islamic Economics*, 19(73), 5-30. **(In Persian)**